

۱۳۸ ۴۶۸۳
۹۶,۹۱۲۴

آداب روزانه

روز بزرگان چگونه شب می‌شود

میسن کاری

مترجم
مریم مؤمنی



نشر ماه

تهران

۱۳۹۴

Mason Currey
Daily Rituals
How Artists Work
Alfred A. Knopf, New York, 2013

Currey, Mason

کاری، میسن

سرشنامه:

آداب روزانه: روز بزرگان چگونه شب می‌شود؛ میسن کاری؛

عنوان و پدیدآور:

مترجم مریم مؤمنی.

مشخصات نشر:

تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:

۲۹۶ ص.

ISBN 978-964-209-235-2

شابک:

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

یادداشت:

Daily Rituals: How Artists Work

عنوان اصلی:

یادداشت:

هنرمندان - روان‌شناسی.

موضوع:

هنرمندان - سرگذشت‌نامه.

موضوع:

مؤمنی، مریم، ۱۳۵۹ - ، مترجم.

شناسای افزوده:

الف ۱۳۹۴ ب ۲ ک ۱۶۵ / NX

رده‌بندی کنگره:

۷۰۰ / ۹۲۲

رده‌بندی دیویی:

۳۹۸۲۰۳۴

شماره‌ی کتابخانه‌ی ملی:

آداب روزانه

مستند کاری
مريم مؤمنی
مهدی نور
علیرضا اسماعیل پور

نویسنده
مترجم
ویراستاران

پاییز ۱۳۹۲
۱۱۰۰ نسخه

چاپ اول
تیراژ

سپیده
امین گرافیک
صنوبر
سپیدار

حرف‌نگار
لیتوگرافی
چاپ جلد
چاپ متن و صحافی

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۹-۲۳۵-۲
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



تهران، خیابان انقلاب، رویه روی سپینما سپیده، شماره‌ی ۱۱۷۶، واحد ۴

تلفن و دورنگار: ۶۶۹۵ ۱۸۸۰

www.nashremahi.com

فهرست

سخن مترجم	۹	خوان میرو	۶۵	جیمز جویس	۱۱۱
مقدمه	۱۱	گرتروداستاین	۶۷	مارسل پروست	۱۱۴
*		ارنست همینگوی	۷۰	سمیوئل بکت	۱۱۷
دابلو.اچ. آودن	۱۷	هنری میلر	۷۲	ایگور استراوینسکی ..	۱۱۹
فرانسیس بیکن	۱۹	اف. اسکات فیتزجرالد ..	۷۳	اریک ساتی	۱۲۰
سیمون دوبووار	۲۱	ویلیام فاکتر	۷۵	پابلو پیکاسو	۱۲۲
تامس وولف	۲۳	آرتور میلر	۷۷	ژان پل سارتر	۱۲۴
پاتریشیا های اسیت ..	۲۴	بنجامین بریتن	۷۸	تی.اس. الیوت	۱۲۶
فدریکو فلینی	۲۶	آن بیتی	۷۹	دمتری شاستاکوویچ ..	۱۲۸
اینگمار برگمان	۲۷	گونتر گراس	۸۰	هنری گرین	۱۳۰
مورتون فلدمن	۲۹	تام استاپارد	۸۱	آگاتا کریستی	۱۳۲
ولفگانگ موتسارت ..	۳۱	هاروکی موراکامی	۸۲	سامرست موام	۱۳۳
لودویگ فن بهوون ..	۳۳	تونی موریسون	۸۴	گراهام گرین	۱۳۴
سورن کی یرکگور	۳۵	جویس کارول اوتس ..	۸۶	جوزف کُرئل	۱۳۵
ولتر	۳۶	چاک کلووز	۸۷	سیلویا پلات	۱۳۸
بنجامین فرانکلین ..	۳۷	فرانسیس پروز	۸۸	جان چپور	۱۳۹
آنتونی ترولوپ	۳۹	جان آدامز	۸۹	لویی آرمسترانگ ..	۱۴۲
جین آستین	۴۱	استیو رایش	۹۱	ویلیام باتلر ییتس ..	۱۴۴
فردریک شوپن	۴۳	نیکلسون بیکر	۹۲	والاس استیونس	۱۴۵
گوستاو فلوبر	۴۵	بی.اف. اسکینر	۹۴	کینگزلی ایامیس	۱۴۶
هانری تولوز-لوترک ..	۴۹	مارگارت مید	۹۶	مارتین ایامیس	۱۴۸
توماس مان	۵۰	جانانان ادواردز ..	۹۷	اومبرتو اکو	۱۴۹
کارل مارکس	۵۲	ساموئل جانسون ..	۹۸	وودی آلن	۱۵۱
زیگموند فروید	۵۴	جیمز بازول	۱۰۰	دیوید لینچ	۱۵۳
کارل گوستاو یونگ ..	۵۶	ایمانوئل کانت	۱۰۲	مایا آنجلو	۱۵۴
گوستاو مالر	۵۹	ویلیام جیمز	۱۰۵	جورج بالانچاین	۱۵۶
ریچارد اشتراوس	۶۲	هنری جیمز	۱۰۷	ال هرشفلد	۱۵۷
آنری ماتیس	۶۳	فرانتس کافکا	۱۰۸	ترومن کاپوتی	۱۵۹

فہرست

ریچارد رایت ۱۶۰	چارلز داروین ۲۰۴	جکسون پولاک ۲۵۲
اج. ال. منکن ۱۶۲	ہرمان ملویل ۲۰۸	کارسون مک کالرز ... ۲۵۴
فیلیپ لارکین ۱۶۳	نائیل ہائورن ۲۱۰	ویلم ڈکونینگ ۲۵۶
فرانک لوید رایت ۱۶۴	لف تالستوی ۲۱۲	جین استفورد ۲۵۸
لویس آئی. کان ۱۶۶	پیوتر چایکوفسکی ... ۲۱۴	دونالد بارتلمی ۲۶۰
جورج گرشوین ۱۶۷	مارک تواین ۲۱۶	آلیس مونرو ۲۶۲
جوزف ہار ۱۶۸	الکساندر گراہم بیل ... ۲۱۸	یژی کوزینسکی ۲۶۳
جیمز دیکی ۱۷۰	ونسان ون گوگ ۲۱۹	آیزاک آسیوف ۲۶۵
نیکولا تسلا ۱۷۲	ان. سی. وایت ۲۲۰	البور ساکس ۲۶۷
گلن گولڈ ۱۷۳	جورجیا اوکیف ۲۲۱	آن رایس ۲۶۹
لونیوز بورژوا ۱۷۷	سرگئی راخمانینوف ... ۲۲۳	چارلز شولٹس ۲۷۱
چستر ہایمز ۱۷۸	ولادیسیر ناباکوف ... ۲۲۴	ویلیام گاس ۲۷۲
فلانری اوکانر ۱۷۹	بالتوس ۲۲۶	دیوید فاسٹر والاس ... ۲۷۳
ویلیام استارن ۱۸۱	لوکوربوزیہ ۲۲۸	مارینا ابراہموویچ ۲۷۴
فیلیپ راث ۱۸۳	باکمینسٹر فولر ۲۳۰	تویلا ٹارپ ۲۷۶
پی. جی. وودہاوس ... ۱۸۵	پاول اردوش ۲۳۲	اسٹفن کینگ ۲۷۸
ادیت سیٹول ۱۸۷	اندی وارہول ۲۳۴	مریلین رابینسون ۲۷۹
تامس ہایز ۱۸۸	ادوارد آبی ۲۳۷	سال بلو ۲۸۰
جان میلٹون ۱۸۹	وی. اس. پریچٹ ۲۳۸	گرہارڈ ریشٹر ۲۸۲
رتہ دکارت ۱۹۰	ادموند ویلسون ۲۳۹	جاناٹان فرٹزن ۲۸۳
یوہان فون گوٹہ ۱۹۱	جان آپدایک ۲۴۱	مایرا کالمن ۲۸۵
فریدریش شیلر ۱۹۲	آلبرٹ آئنشتاین ۲۴۳	ژرژ سیمون ۲۸۶
فرانتس شوبرٹ ۱۹۴	ال. فرانک باوم ۲۴۴	اسٹفن جی. گولڈ ۲۸۸
فرانتس لیست ۱۹۵	کنوت ہامسون ۲۴۵	برنارد مالامود ۲۹۰
ژرژ ساند ۱۹۷	ویلا کاتر ۲۴۶	*
اونورہ دو بالزاک ۱۹۹	آین رنڈ ۲۴۷	سپاسگزاری ۲۹۳
ویکتور ہوگو ۲۰۰	جورج اورول ۲۴۹	
چارلز دیکنز ۲۰۲	جیمز تی. فارل ۲۵۰	

آداب روزانه شرح احوال و عادات کاری یکصد و شصت و یک آدم مشهوری است که در طول زندگی شان کارهای بزرگ کرده اند، خلاقیت خود را به کار گرفته اند و آثار مهمی برای بشر به جا گذاشته اند. این صد و خرده ای نفر مجموعه ی آدم هایی هستند که میسون کاری سراغ زندگی نامه ها، شرح حال ها، مصاحبه ها و خلاصه منابع مربوط به آن ها رفته تا بتواند شرحی مختصر از خلق و خویشان به دست دهد. بین این آدم ها هم نویسنده پیدا می شود، هم هنرمند و فیلسوف، هم موسیقیدان و نقاش و مجسمه ساز، هم کارگردان فیلم و هم دانشمند. در این مجموعه، هم از آدم های معروف چند قرن گذشته می شود ردی پیدا کرد و هم از بزرگان معاصر.

این متون مختصر و مفید سعی می کنند دریچه ای باز کنند به زندگی روزمره ی این بزرگان، بزرگانی که آداب روزانه ی هر کدامشان با دیگری متفاوت است و به همین دلیل خواندن هر کدام ایده ی تازه ای به آدم می دهد و به شکلی انگیزه بخش است. دلگرم می شویم وقتی می فهمیم فلان هنرمند معروف نیز درست مثل خود ما با زندگی روزمره در جدال بوده و تلاش می کرده از دل این کارزار هر روزه دستاوردی به کف آورد. درمی یابیم که معنای اصلی نبوغ این است که قدم های کوچک را چنان برداری که آهسته و پیوسته بر دشواری ها و موانع بزرگ راه فائق آیی و سرانجام بینی، بی آن که خودت متوجه باشی، پای بر قله ای نهاده ای. این قدم های کوچک یعنی همین جیره ی روزانه ی تلاش برای آفریدن، تلاشی که به سرانجام رساندنش آسان نیست، چنان که در اغلب متون این کتاب می خوانیم.

ترجمه ی این کتاب بیش از هر چیزی به من مترجم کمک کرد تا برنامه ی روزانه ای تنظیم کنم و عصرها، بعد از فراغت از کار، پای این کتاب بنشینم و هر روز چند صفحه ای از آن را پیش ببرم. در خلال کار یاد می گرفتم که چگونه

یک برنامه‌ی درازمدت را می‌توان به قدم‌های خیلی کوچکی تقسیم کرد و آن را میان این زندگی شلوغ جای داد، چنان‌که پس از چند ماه ببینی به نتایج خوبی رسیده‌است. این کتاب به قدری متنوع است که مطمئنم برای هر یک از ما، به‌رغم تفاوت‌هایی که در سبک زندگی و کار با یکدیگر داریم، پندهایی خواهد داشت. کمابیش به دانش‌نامه‌ای کوچک می‌ماند: هم می‌توانیم سراغ مشاهیر محبوبمان برویم و مدخل مربوط به آن‌ها را بخوانیم و هم می‌توانیم مثل هر کتاب دیگری آن را دست بگیریم، به ترتیب جلو برویم و از آن لذت ببریم.

زحمت و یرایش اولیه‌ی این کتاب بر دوش دوست عزیزم، محمد رضاپور، بود و ویراستاران محترم نشر ماهی و یرایش نهایی آن را به عهده داشتند. با وجود بازبینی‌های مکرر، مسئولیت خطاهای احتمالی آن با مترجم است. از بهمن دارالشفایی عزیز که در انتشار این کتاب سهم بسیاری داشت سپاسگزارم. از همسر، حامد قدوسی، متشکرم که این کتاب را به من هدیه داد و مرا با آن آشنا کرد. عشق و حمایت خانواده و دوستان، به‌ویژه پدر و مادرم، همواره در مسیر این ترجمه یار و یاورم بوده است. از همه‌ی ایشان نیز سپاسگزارم.

یک سال و نیم، تقریباً هر روز هفته صبح‌ها ساعت پنج و نیم بیدار می‌شدم، مسواک می‌زدم، فنجان قهوه درست می‌کردم و می‌نشستم به نوشتن این‌که چطور برخی از بزرگ‌ترین مغزهای متفکر چهار قرن اخیر دقیقاً همین کارها را انجام می‌دادند؛ یعنی از روزشان چطور استفاده می‌کردند تا بهترین بازده ممکن را داشته باشند و چه برنامه‌هایی می‌ریختند تا کارشان خلاق و پربار باشد. امیدوار بودم با نوشتن از جزئیات زندگی مادی و روزمره‌ی این بزرگان - این‌که کی می‌خوابیدند و کی می‌خوردند، کی کار می‌کردند و کی دچار اضطراب می‌شدند - بتوانم دریچه‌ی تازه‌ای به شخصیت و کارنامه‌ی ایشان باز کنم و تصویری کوچک و جذاب از هنرمند بنده‌ی عادت ارائه دهم. ژان آنتیم بریائ-ساواژن، خوراک‌شناس فرانسوی، می‌گوید: «به من بگو چه می‌خوری، تا بگویم که هستی.» من هم می‌گویم بگو چه ساعتی غذا می‌خوری و بعد هم چرت می‌زنی یا نه، تا بگویم که هستی.

بدین معنا، کتاب حاضر کتابی سطحی است. درباره‌ی شرایط کار خلاق است، نه ماحصل آن. بیش‌تر درباره‌ی فرآیند تولید است تا معنای آن. اما ناگزیر کتابی شخصی هم هست. (جان چیور گمان می‌برد که حتی نوشتن یک نامه‌ی اداری نیز بخشی از خویشتن آدمی را آشکار می‌کند. آیا این‌طور نیست؟) دغدغه‌های اصلی من در این کتاب مسائلی است که در زندگی شخصی نیز با آن‌ها درگیرم: چطور می‌توان اثری نغز و خلاقانه آفرید و در عین حال از پس مخارج زندگی نیز برآمد؟ کدام بهتر است، این‌که آدم خود را یکسره وقف خلق اثری کند یا بخش کوچکی از روزش را به آن اختصاص دهد؟ وقتی به نظر می‌رسد برای به‌دست آوردن آنچه بدان امید بسته‌ایم وقت کافی وجود ندارد، کدام راه بهتر است: بعضی چیزها (مثل خواب، درآمد، نظافت خانه) را فدا کنیم یا این‌که یاد بگیریم چگونه کارهایمان را

فشرده سازیم تا در کم‌ترین زمان ممکن بیش‌ترین بازده را داشته باشیم و، چنان‌که پدرم همیشه می‌گوید، «بهتر کار کنیم نه سخت‌تر»؟ مخلص کلام، آیا آسودگی و خلاقیت با هم ناسازگارند؟ یا برعکس، داشتن حداقلی از آسایش روزمره پیش‌شرط دوام کار خلاق است؟

مدعی نیستم که در این کتاب به همه‌ی این سؤالات پاسخ داده‌ام؛ احتمالاً بعضی‌هاشان جوابی ندارد یا جوابشان بسته به شرایط افراد متفاوت است. اما سعی‌ام این بوده که نمونه‌هایی فراهم آورم از این‌که چطور بسیاری از آدم‌های هوشمند و موفق با بسیاری از همین چالش‌ها روبه‌رو بوده‌اند. می‌خواستم نشان دهم که چگونه بینش‌های سترگ خلاق از دل کامیابی‌های کوچک روزمره سر برمی‌آورند و چگونه عادات کاری فرد بر نفس کار تأثیر می‌گذارد و بالعکس. نام کتاب آداب روزانه است، اما تمرکز من در واقع بر برنامه‌ی روزانه‌ی افراد بوده است، بر زندگی روزمره‌ی آن‌ها. این واژه خود بر میانمایگی یا حتی فقدان اندیشه دلالت دارد؛ روزمرگی یعنی همه‌چیز را روی دور خودکار گذاشتن. اما برنامه‌ی روزمره خود یک فرصت است؛ در واقع مجموعه‌ی کاملی از فرصت‌هاست. می‌توان آن را به راهکاری سنجیده برای بهره‌مندی از منابع محدود بدل کرد، منابعی مثل زمان (محدودترین همه‌ی منابع)، قدرت اراده، انضباط شخصی و خوشبینی. یک برنامه‌ی روزانه‌ی منسجم و استوار عادات کهنه را به سود توان ذهنی فرد می‌پرواند و وی را قادر می‌سازد از سیطره‌ی خلق و خوی خویش رهایی یابد. این یکی از موضوعات محبوب ویلیام جیمز بود. او می‌پنداشت که آدمی به دنبال آن است که بخشی از زندگی خود را روی دور خودکار بگذارد. جیمز می‌گفت ما، با تن دادن به عادات پسندیده، می‌توانیم «اذه‌انمان را رها کنیم تا به سوی حیطه‌هایی از عمل پیش بروند که به راستی برایمان جذابند». طرفه آن‌که خود جیمز به اتلاف وقت مزمن دچار بود و هرگز نمی‌توانست به برنامه‌ی منظمی پایبند بماند.

از قضا، دوره‌ای مملو از وقت‌گذرانی‌های خلاق بود که منجر به پدید آمدن این کتاب شد. بعد از ظهر یکشنبه‌ای در ژوئیه‌ی سال ۲۰۰۷ بود. در دفتر گرد و خاک‌گرفته‌ی یک مجله‌ی کوچک معماری، که برایش کار می‌کردم، تنها

نشسته بودم و سعی می‌کردم داستانی بنویسم که مهلت تحویلش فردا بود. اما به جای آن که عزمم را جزم کنم و قال قضیه را بکنم، نسخه‌ی آنلاین نیویورک تایمز را می‌خواندم، اتاقک کارم را با وسواس تمیز می‌کردم و در آبدارخانه برای خودم قهوه درست می‌کردم. خلاصه این که داشتم وقت‌گذرانی می‌کردم. اولین بار نبود که در چنین محمضه‌ای می‌افتادم. من «آدم صبح» هستم. صبح‌ها می‌توانم با تمرکز کامل کار کنم و بعد از ناهار هیچ کاری ازم برنمی‌آید. آن بعد از ظهر، برای این که این تمایل ناخوشایند به سحرخیزی را خوشایند کنم (چه کسی دلش می‌خواهد هر روز ساعت پنج و نیم صبح بیدار شود؟)، شروع کردم به جست‌وجو در اینترنت تا ببینم برنامه‌ی کاری نویسندگان دیگر چگونه بوده است. پیدا کردن این برنامه‌ها هم آسان بود و هم بسیار مفرح. به نظر رسید که یک نفر باید این حکایات را یک جا جمع کند. این گونه شد که وبلاگ «آداب روزانه» را همان بعد از ظهر راه انداختم (داستان مجله را هم فردا صبح هول هولکی نوشتم). و حالا هم که این کتاب پیش روی شماست.

وبلاگ را سرسری پر می‌کردم. فقط شرح برنامه‌ی روزمره‌ی آدم‌ها را، همان‌طور که در منابعم می‌یافتم، در وبلاگ می‌گذاشتم. منابعی مثل زندگی‌نامه‌ها، پرونده‌هایی که در مجلات درباره‌ی مشاهیر چاپ می‌شود، مطالب روزنامه‌ها درباره‌ی مرگ یا سالم‌رگ افراد مشهور و مانند این‌ها. برای کتاب اما از مجموعه منابعی بسیار عظیم‌تر و محققانه‌تر بهره برده‌ام و در عین حال کوشیده‌ام ایجاز و تنوعی را که موجب جذابیت وبلاگ بود حفظ کنم. با نقل گفته‌های مشاهیر از نامه‌ها، یادداشت‌های روزانه و مصاحبه‌ها، حتی الامکان سعی کرده‌ام بزرگانی که موضوع این کتابند خود سخن بگویند. جز این‌ها، خلاصه‌ای از برنامه‌ی روزانه‌ی آن‌ها را نیز از منابع ثانوی گرد آورده و سرهم کرده‌ام. هرگاه در یافتن که نویسنده‌ی دیگری چکیده‌ای کامل از برنامه‌ی روزانه‌ی یکی از این ناموران به دست داده است، عین متن او را به تفصیل نقل کرده و از بازنویسی‌اش چشم پوشیده‌ام. باید همین‌جا یادآورم شوم که تألیف این کتاب بی‌مدد پژوهش‌ها و آثار صدها زندگی‌نامه‌نویس، روزنامه‌نگار و پژوهشگر امکان‌پذیر نبود.

هنگام تألیف این مدخل‌ها، مدام به یاد بخشی از مقاله‌ی وی. اس. پریچت

می‌افتم که آن را در سال ۱۹۴۱ نوشته است. مقاله درباره‌ی ادوارد گیبس است و پریچت، ضمن اشاره به سختکوشی استثنایی این مورخ بزرگ انگلیسی، آورده است که وی حتی در سال‌های خدمت نظام نیز برنامه‌ای داشت تا از وقتش درست استفاده کند و کار محققانه‌اش را ادامه دهد؛ این‌که چگونه حین قدم‌رو آثار هوراس را به دوش می‌کشید و در خیمه‌اش به مطالعه درباره‌ی باورهای کفرآمیز پیش از میلاد و الهیات مسیحی می‌پرداخت. پریچت می‌نویسد: «بزرگمردان دیر یا زود شبیه هم می‌شوند. آن‌ها هرگز کار را متوقف نمی‌کنند. حتی لحظه‌ای را هم از دست نمی‌دهند. آدم پاک سرخورده می‌شود.»

و چه کسی است که سودای نویسندگی یا هنرمندشدن در سرش باشد و گهگاه همین حس به سراغش نیاید؟ مروری بر دستاوردهای عظیم بزرگان ادوار گذشته هم الهام‌بخش است و هم به شدت دل‌سردکننده. اما البته پریچت هم اشتباه می‌کرد. آری، گیبون بی‌وقفه کار می‌کرد و انگار از قید تردید و بحران اعتماد به نفس، که گریبان مافانیان را رها نمی‌کند، آزاد بود. اما به ازای هر گیبون سختکوش و سرزنده، ویلیام جیمز یا فرانکس کافکایی هم هست: نوابغی که وقت را به هدر می‌دادند، بیهوده به انتظار الهام می‌نشستند، خلایقیشان از جوشش می‌افتاد، دچار رکودی عذاب‌آور می‌شدند و از تردید و تزلزل رنج می‌بردند. در واقع، بسیاری از آدم‌های این کتاب جایی در میانه‌ی این طیف ایستاده‌اند یعنی به کار روزانه پایبندند، اما هرگز به پیشرفتشان اطمینان کامل ندارند و همواره نگران روزی هستند که ورق برگردد. همه‌ی آنان نیازمند زمان بودند تا بتوانند کارشان را انجام دهند. همه‌شان باید طوری زندگی خود را سامان می‌دادند که بتوانند این زمان را به دست آورند و روش‌های آنان برای انجام این کار بی‌نهایت متنوع بود.

کتاب حاضر درباره‌ی این تنوع است. امید دارم که خوانندگان آن را نویدبخش ببینند نه نومیدکننده. هنگام نوشتن این کتاب، اغلب به جمله‌ای از کافکا می‌اندیشیدم که در سال ۱۹۱۲ و در نامه‌ای به محبوبش، فلیسه باوئر، نوشته بود. او که از زندگی فشرده و کار روزانه‌ی ملال‌آورش فرسوده شده بود، گلایه می‌کرد که «وقت تنگ است و توانم اندک. اداره خوفناک است و خانه شلوغ. اگر نتوان زندگی خوشایند و ساده‌ای داشت، ناگزیر باید چاره‌های ظریف اندیشید و راه خود را باز

کرد. «کافکای بیچاره! اما کیست از میان ما که چشم به راه یک زندگی خوشایند و ساده باشد؟ برای بیش تر ما زندگی اغلب توانفرساست و چاره‌اندیشی‌های ظریف کافکا نه آخرین پناه، که کمال مطلوب است. پس زنده باد راه خود را باز کردن.

www.ketab.ir